

Pathology of Iran's criminal policy regarding economic crimes

Mahdi Dida¹, Sallameh Abolhasani², Naghmeh Farhoud³

Abstract

Field and Aims: Economic crimes are one of the most challenging issues in the world due to their impact on all levels of society. Iran will not be an exception. Iran's economic environment creates a more favorable environment for committing economic crimes than the economic systems of other countries due to suffering from many injuries, The spread of economic crimes prevents the government from achieving its national goals in the field of economic security, and public crimes endanger affairs. The goal of the research is the pathology of Iran's criminal policy approach to economic crimes.

Method: The current research is done in descriptive and analytical method.

Finding and Conclusion: The lack of providing a clear definition of economic crimes, numerous legal authorities in the field of economic crimes, pluralism in judicial criminal policy, the approach of criminal populism in dealing with economic crimes, the lack of a coherent and unified criminal policy and the security orientation of criminal policy in economic crimes, among the challenges. And the damages in Iran's current criminal policy are related to economic crimes.

Keywords: Criminal policy, economic crimes, legislative plurality, criminal populism, criminal security.

*Citation (APA): Dida, M., Abolhasani, S., Farhoud, N.(2022). Pathology of Iran's criminal policy regarding economic crimes. *International Legal Research*, 15(55), 797-811.
https://alr.ctb.iau.ir/article_695089.html?lang=en

1. PhD student, Department of Criminal Law and Criminology, Khuzestan Science and Research Campus, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran; PhD student, Department of Criminal Law and Criminology, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran. Email: mehdidida70@yahoo.com
2. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Author). Email: salameh_abolhasani@yahoo.com
3. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Andimshek Branch, Islamic Azad University, Andimshek, Iran. Email: naghmeh.farhood@gmail.com



آسیب‌شناسی سیاست جنایی ایران در قبال جرایم اقتصادی

مهدی دیدا^۱، سلامه ابوالحسنی^۲، نغمه فرهود^۳

چکیده

زمینه و هدف: جرایم اقتصادی به خاطر تاثیرگذار بودن بر تمام سطوح جامعه، یکی از مسائل چالش برانگیز در جهان می‌باشند؛ که کشور ایران مستثنی نخواهد بود. فضای اقتصادی ایران هم به دلیل ابتلا به آسیب‌های عدیده، نسبت به نظام‌های اقتصادی سایر کشورها، زمینه مساعدتری برای ارتکاب جرم اقتصادی ایجاد می‌کند، گسترش جرایم اقتصادی مانع دستیابی دولت به اهداف ملی در حوزه امنیت اقتصادی شده و جرایم عمومی امور را به مخاطره می‌اندازد. هدف پژوهش آسیب‌شناسی رویکرد سیاست جنایی ایران در قبال جرایم اقتصادی می‌باشد.

روش: پژوهش حاضر به صورت روش توصیفی و تحلیلی انجام شده است.

یافته‌ها و نتایج: فقدان ارائه تعریف مشخص از جرایم اقتصادی، مراجع تقنینی متعدد در حوزه جرایم اقتصادی، تکرر گزایی در سیاست جنایی قضایی، رویکرد عوام‌گرایی کیفری در مقابله با جرایم اقتصادی فقدان سیاست جنایی منسجم و واحد و امنیت مداری سیاست جنایی در جرایم اقتصادی، از جمله چالش‌ها و آسیب‌های موجود در سیاست جنایی فعلی ایران در قبال جرایم اقتصادی است.

کلیدواژه‌ها: سیاست جنایی، جرایم اقتصادی، تکرر تقنینی، عوام‌گرایی کیفری، امنیت‌گرایی کیفری.

* استناددهی (APA): دیدا، مهدی؛ ابوالحسنی، سلامه؛ فرهود، نغمه. (۱۴۰۱). آسیب‌شناسی سیاست جنایی ایران در قبال جرایم اقتصادی. تحقیقات حقوقی بین‌المللی، ۱۵(۵۵)، ۷۹۷-۸۱۱.

https://alr.ctb.iau.ir/article_695089.html

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، پردیس علوم و تحقیقات خوزستان، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، اهواز، ایران؛ دانشجوی دکتری، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، اهواز، اهواز، اهواز، اهواز، اهواز. رایانامه: mehdidida70@yahoo.com
۲. استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). رایانامه: salameh_abolhasani@yahoo.com
۳. استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد اندیشک، دانشگاه آزاد اسلامی، اندیشک، اهواز، اهواز، اهواز. رایانامه: naghmeh.farhood@gmail.com



مقدمه

امروزه بزهکاری یا جرایم اقتصادی در مفهوم وسیع واژه - با توجه به پیامدهای ناگوار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آن به یک دل‌نگرانی جهانی تبدیل شده است. میزان و مصادیق بزهکاری اقتصادی، مالی و گستره آثار آن بی‌گمان، بسته به نوع نظام سیاسی - اقتصادی حاکم در کشورها متفاوت است، لیکن جهانی شدن روابط و مبادلات بازرگانی، بانکی، مالی و اقتصادی به پاره‌ای جلوه‌های بزهکاری اقتصادی جنبه جهانی نیز داده است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۷: ۴۵۱). حقوق کیفری اقتصادی این نقش و رسالت خود را از طریق توصیف ماهیت هرگونه تعدی به ارزش‌های اقتصادی حاکم در جامعه را در متون کیفری اعلام می‌نماید. در نتیجه حقوق کیفری بیانگر ارزش‌های اقتصادی در جامعه نیز خواهد بود (ولیدی، ۱۳۹۳: ۶۴). از این رو سیاست جنایی تقنینی اقتصادی بیانگر و توصیف‌کننده ارزش‌های اقتصادی در سطح جامعه می‌باشند.

حساسیت سیاست‌گذاران جنایی ایران برای پاسخ‌دهی جرایم اقتصادی، با توجه به نام‌گذاری سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ توسط مقام رهبری با محوریت اقتصاد مقاومتی اندیشه‌های هنجارمندسازی پاسخ‌دهی به بزهکاران اقتصادی در قالب تدوین و تنظیم سندی به نام طرح مبارزه با جرایم اقتصادی تبلور یافته است (خواجه‌نوری و موسوی، ۱۳۹۷: ۱۰۸).

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به عنوان یک قانون محور در امور کیفری با احصاء برخی مصادیق به نحو حصری این عنوان را شناسایی و احکامی را در این باره مقرر کرده است. قانون مذکور در این زمینه با چالش‌ها و ابهامات متعددی مواجه است؛ مهم‌ترین این ابهامات در خصوص مفهوم و منظور از جرایم اقتصادی، گستره شمول مصادیق، چگونگی سیاست کیفری اتخاذ شده و میزان تناسب و کارایی آن است. در چنین وضعیتی بررسی و نقد عملکرد قانون در شناسایی این دسته مهم از جرایم با توجه به مطالبات جامعه و اهمیت موضوع از جنبه حقوق کیفری امری ضروری بوده است. با نقد رویکرد قانون به جرایم اقتصادی، مهم‌ترین ایرادات آن در حوزه شناسایی ساختار جرایم اقتصادی عبارتند از: روشن نبودن جایگاه این دسته‌بندی و مفهوم آن، فقدان معیارهایی برای تشخیص مصادیق، کاستی و ابهام در مصادیق احصاء شده، تأکید و تمرکز بر جرایم فسادآمیز و همسان‌انگاری جرم اقتصادی با فساد دولتی. همچنین در حیطه آثار و تصمیمات قضائی، به کارگیری یک سیاست کیفری مبتنی بر عوام‌گرایی و ناقض اصل تفرید مجازات‌ها که با تأکید بر غایت سزادهی در راستای جلب اعتماد عمومی صورت گرفته است را می‌توان از مهم‌ترین ایرادات قانون دانست (موسوی، ۱۳۹۶).

بزهکاری اقتصادی پدیده‌ای فراگیر است که جوامع بشری و نظام‌های سیاسی با آن مواجه بوده، پدیده‌ای که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم جنبه‌های کیفی زندگی شهروندان را نیز تحت شعاع قرار می‌دهد. رویارویی با این پدیده همواره دغدغه کارگزاران و متولیان سیاست‌گذاران جنایی

کشورها بوده است؛ زیرا افزایش مظاهر بزهکاری اقتصادی امنیت نظام سیاسی و بقاء آن را نیز به مخاطره می‌اندازد. بدین سان، همی دولت‌ها بر آن هستند تا از گذر بزه‌انگاری و پاسخ‌گذاری در حوزه اقتصاد و پاسخ‌دهی سنجیده به مرتکبان جرایم اقتصادی، از تزلزل اقتدار و فروپاشی نظام سیاسی خود ممانعت به عمل آورند. از این رو، ضرورت بررسی رویکردهای سیاست جنایی در مورد جرایم اقتصادی که شامل ماهیت و گونه‌های مختلف بزهکاری اقتصادی از جمله مظاهر فساد اداری-مالی و اتخاذ راهبردهای سنجیده در حوزه‌ی بزه‌انگاری و پاسخ‌گذاری گنشی و واکنشی احساس می‌شود. با این اوصاف نگارندگان در این پژوهش در پی پاسخ‌گویی به این پرسش اصلی هستند که سیاست جنایی ایران در مقابله با جرایم اقتصادی دارای چه آسیب‌ها و نواقصی است؟

۱. فقدان ارائه تعریف مشخص از جرایم اقتصادی

خستین چالش بنیادینی که در پهنه سیاست جنایی در قبال بزهکاری‌های اقتصادی موضوعیت دارد، نبود تعریفی جامع و مانع در قبال جرایم اقتصادی است که با اصل بدیهی تمکین به حقوق و آزادی‌های فردی و به کارگیری سیاست شفاف‌سازی در قوانین مغایرت آشکار دارد. حال آنکه ارائه تعریف از جرم اقتصادی سهل و ممتنع است و به‌سادگی نمی‌توان مصادیق آن را با ارائه تعریفی واحد جرم اقتصادی تطبیق داد (خواجانه‌نوری و موسوی، ۱۳۹۷: ۱۱۰).

ابتدایی‌ترین مشکل در زمینه جرایم اقتصادی، مشکل تعریف آن است، چند دهه است که موضوع تعریف جرایم اقتصادی در کشورهای مختلف و به‌ویژه در کشورهای توسعه‌یافته موضوع بحث و نقد بوده و نظریه‌های مختلفی در این راستا ارائه شده است، لکن در این زمینه به تعریف واحدی دست نیافته‌اند. عدم تعریف اقتصادی یکی از چالش‌برانگیزترین موضوعات در بستر نظام اقتصادی و قضائی به‌طور اعم و در امر مبارزه با جرایم اقتصادی به‌طور اخص بوده است. عدم تعریف از سوی قانون‌گذار این استنباط را به وجود می‌آورد که قانون‌گذار عقیده دارد؛ مقام قضایی رسیدگی‌کننده خود بتواند بر مبنای مصادیق رسیدگی قضایی نماید (جوانمرد و شفیع‌ی خورشیدی، ۱۴۰۰: ۲۰).

جرایم اقتصادی در کنار واژگانی چون فساد و جرایم سازمان‌یافته از علوم سیاسی و اقتصادی به جرم‌شناسی راه‌یافته و جرم‌شناسی در پی بررسی علل وقوع جرم و نحوه شناسایی مجرمین و پیشگیری از این قبیل جرایم می‌باشد و در پی شناسایی دقیق جرایم اقتصادی و تفکیک صحیح این اصطلاح از عناوین مشابه نیست، در حالی که در حقوق کیفری اصل قانونی بودن اقتضاء دارد تا واژگان کلیدی به‌طور دقیق از هم تفکیک گردند. به همین دلیل در خصوص جرم اقتصادی هیچ‌گونه تعریفی که مشخصاً از اجماع یا حداقل اجماعی در این باره برخوردار باشد ارائه نشده است (مهدوی پور، ۱۳۹۴: ۳۳).

قانون‌گذار ایران در تبصره ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ که ذیل فصل سوم مربوط به نحوه تعیین و اعمال مجازات آورده شده است، اعمال مجرمانه‌ای را احصاء کرده که قابل ارتکاب در بخش دولتی مانند اختلاس بخش خصوصی مانند جرایم گمرکی و قاچاق کالا و ارز یا در هر دو بخش مانند اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی و نیز کلاهبرداری است، جرایم موضوع تبصره ماده ۳۶، از یک سو در بند (ج) ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ (جرایم اقتصادی با موضوع بیش از یک صد میلیون ریال) و بند (ب) ماده ۱۰۹ همان قانون (جرایم اقتصادی شامل کلاهبرداری و جرایم موضوع تبصره ماده ۳۶) و از سوی دیگر، به موجب نظریه مورخ ۷/۹۴/۲۴۹۳ مورخ ۱۳۹۴/۹/۱۶ اداره کل حقوقی قوه قضائیه، مصادیق جرایم اقتصادی تلقی شده‌اند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۸: ۴۵۹).

بیان مصادیق حصری ممکن است موجب مصونیت بسیاری از مرتکبان جرایم اقتصادی با تکیه بر اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها شود و از آنجا که اکثر بزهکاری‌های اقتصادی در پوشش فعالیت‌های قانونی و به ظاهر مشروع صورت می‌گیرد، غفلت از نتیجه مجرمانه و توجه بیشتر به عنصر مادی بدهیم، جامعه را از کیفردهی و اجرای عدالت باز می‌دارد. به‌علاوه تعاریف و دسته‌بندی‌های صورت گرفته از بزهکاری‌های اقتصادی نه تنها به شناخت این جرایم بلکه کمکی نمی‌کند، بلکه در مرحله واکنش حاکمیت و جامعه، باعث چندگانگی در تعقیب و کیفرگذاری می‌شود، به علاوه تعاریف مبتنی بر ماهیت و کمیت ضرر و زیان وارد بزه‌دیده، هدف و موضوع ارتکاب جرم و شخصیت و موقعیت اجتماعی مرتکب به این چندگانگی دامن می‌زند (جوانمرد و شفیعی خورشیدی، ۱۴۰۰: ۲۸).

۲. مراجع تقنینی متعدد در حوزه جرایم اقتصادی

با عنایت به اینکه نوع و میزان پاسخ‌ها در قبال بزه و انحراف از طرف دولت و ارکان مختلف آن تعیین و اعمال می‌شود، سیاست جنایی حاکم بر نظام کیفری ما خصوصاً در مقابله با جرایم اقتصادی از نوع سیاست جنایی اقتدارگراست (لازرژ، ۱۳۹۹: ۹۲). تعدد نهادهای قانون‌گذار و منابع قانونی، مسامحه در تدوین قوانین و جرم‌انگاری و... حکایت از کاستی‌هایی در حوزه سیاست جنایی ما در قبال مفاسد و جرایم اقتصادی دارد (کوشا و دهقانی، ۱۳۹۶: ۸۷).

چنانچه تعریف با تعیین مصادیق زیرمجموعه جرایم اقتصادی به‌طور جامع بیان گردد آنگاه مقرراتی که بنا بر وضع یا تنقیح آنها تحت عنوان قانون جامع جرایم اقتصادی است مشخص‌تر می‌شود؛ زیرا از جمله مؤلفه‌های مهم سیاست کیفری نظام‌مند داشتن منابع مشخص قانونی در مبارزه با جرایم اقتصادی است. لذا وقتی این منابع مشخص باشند نه تنها عملکرد سیاست کیفری از تشتت و تفاوت عملی مبرا می‌شود، بلکه اهداف مورد نظر با سیاستی یکسان پی گرفته می‌شوند.



این در حالی است که در حال حاضر جرایم اقتصادی و سیاست کیفری و پیرا کیفری آنها در نظم کنونی حقوقی کشورمان در مقررات مختلفی نمود یافته است (باوی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۶).

اهمیت جرایم اقتصادی از یک سو بر اهمیت کیفی سازی مقررات تأکید دوچندانی خواهد بود و علاوه بر آن نباید ضرورت مقابله حداکثری با این جرایم را عاملی برای تکثیر مقررات و وضع روزانه مقررات مرتبط دانست. یکی دیگر از مؤلفه‌های مهم در بستر این آسیب‌شناسی قانونی از سیاست کیفری این است که به لحاظ حقوقی اصولاً قانون تعیین‌کننده سیاست کیفری ناظر به جرایم مهمی چون جرایم اقتصادی است، اما بخشنامه و دستورالعمل بر دور شدن دوچندان سیاست کیفری از اصول مورد پذیرش حقوق کیفری منتهی می‌شود. اخیراً طرح مبارزه با جرایم اقتصادی نیز بدون تجمیع مقررات کیفری پیش از خود بر درهم شکنی بسیاری از اصول حقوقی افزوده است. لذا بدیهی است که می‌بایست اساسی‌ترین کارکرد این طرح ساماندهی مصادیق این جرایم و تنقیح تمامی مقررات پیش از خود باشد (خواجه نوری و موسوی، ۱۳۹۷: ۱۲۱-۱۱۹).

با نظر به آخرین نسخه‌ای که به طرح مبارزه با جرایم اقتصادی موسوم است، می‌توان شاهد بود که هیچ توجه و اهمیتی به ساماندهی مقررات پیشین صورت نگرفته است. به علاوه آنکه، حتی می‌توان چنین اظهارنظر کرد که خود قانون اضافه‌ای بر بدنه مقررات کشور تلقی خواهد شد؛ زیرا در مقررات انتهایی آن و همچنین مواد اولیه آن در رابطه با وظایف سازمان، دامنه‌ی قانونی مشخص نشده است (باوی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۸). بدین ترتیب، منابع حقوقی جرایم اقتصادی در حقوق ایران متنوع و متکثر است. این پراکندگی تقنینی بی‌گمان بر اصل کیفی بودن قوانین و کارآمدی آن‌ها صدمه جدی می‌زند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۸: ۴۶۰).

۳. تکثیرگرایی در سیاست جنایی قضایی

با نگاهی به این موضوع از منظر جامعه‌شناسی کیفری، به‌خوبی دریافته می‌شود که رویکرد ناصحیح قانون‌گذار در پهنه سیاست‌گذاری جنایی علت عمده این شکست بوده است، بدیهی است که سیاست‌گذاری در هر حوزه‌ای نمی‌تواند بدون توجه به سیاست‌گذاری عمومی در پهنه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و حتی حقوقی - قضایی به اهداف خود نائل آید. از این رو سیاست‌گذاران جنایی در پهنه عدالت کیفری ایران و به‌ویژه در عرصه سیاست جنایی تقنینی، از هدف اصلی خود که تحقق و دسترسی به عدالت در گستره قوه قضاییه و مشخصاً دادگستری باشد، فاصله گرفته‌اند به‌گونه‌ای که امروزه می‌توان به‌جای دادگستری سخن از دادگستری‌ها و یا مرکز واحد عدالت می‌توان از مراکز عدالت سخن به میان آورد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۵: ۶۰۵).

جزیره‌ای شدن عدالت کیفری امروزه ایران که محصول تبدیل سیاست جنایی به سیاست‌های جنایی است شش‌گونه دادگستری، یعنی دادسراها و دادگاه‌های عمومی، دادسراها و دادگاه‌های

انقلاب دادرها و دادگاه‌های نظامی دادرها و دادگاه‌های ویژه روحانیت، شورای حل اختلاف و سازمان تعزیرات حکومتی را به مراکز عدالت بدیل گردانیده است که از این جهت می‌توان به جای رویه قضایی از رویه‌هایی قضایی نیز سخن به میان آورد. در این میان تشکیل «سازمان مبارزه با جرایم اقتصادی» بر اساس ماده ۱ طرح مبارزه با جرایم اقتصادی این عدالت‌های کیفری شش‌گانه را به عدالت‌های کیفری هفت‌گانه بدیل می‌سازد که بدون تردید تالی فاسد بسیاری را به دنبال خواهد داشت (خواجه‌نوری و موسوی، ۱۳۹۷: ۱۱۵).

۴. رویکرد عوام‌گرایی کیفری در مقابله با جرایم اقتصادی

تاکنون، رویکردها و سیاست‌های جنایی مختلفی در کشورهای دنیا در مبارزه با جرایم اقتصادی اتخاذ شده است که برخی از این رویکردها، رویکردهای سزادهنده و برخی نیز پیشگیرانه بودند؛ اما در دهه‌های اخیر سیاست کیفری بسیاری از کشورها تحت تأثیر عوام‌گرایی قرار گرفته و حکومت‌ها در جهت جلب نظر عموم با توجه به افکار و خواسته‌های آنها قوانین را تدوین و اجرا می‌کنند حتی اگر این قوانین و تدابیر با منطق و یافته‌های علمی در مغایرت باشد (الهی‌منش و تقی‌زاده، ۱۳۹۷: ۱۲۰).

مبانی و دلایل عمده ظهور عوام‌گرایی کیفری در سیاست جنایی پنج عامل: بازنمایی اغراق‌آمیز جرم در رسانه‌ها، کاهش احساس امنیت مردم، ورود شعارهای انتخاباتی در سیاست کیفری، ناکارآمدی رویکرد اصلاح و درمان در پیشگیری و اصلاح مجرمان و ناآگاهی عمومی مردم نسبت به واقعیت‌های مجرمانه تلقی شده است و از جمله مهم‌ترین پیامدهای بارز سیاست جنایی عوام‌گرا می‌توان به قانون‌گذاری احساسی و مقطعی، تورم قوانین کیفری، ضمانت‌های اجرایی کیفری سخت‌گیرانه و نامناسب و طردکننده بزهکار و تشهیر بزهکاران و برچسب‌زنی و نادیده‌انگاری اصول اولیه کیفردهی و شتاب‌زدگی در رسیدگی به منظور تسکین مقطعی افکار عمومی به قیمت تضییع حقوق اولیه متهمین و مجرمین نام برد (صدری خانلو و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۰۱).

هر چند در حقوق تطبیقی نشانه‌هایی از نفوذ عوام‌گرایی کیفری در حوزه جرایم یقه سفید و جرایم اقتصادی مشاهده نمی‌شود، ولی شرایط سیاسی اجتماعی و اقتصادی ایران باعث شده که حوزه جرایم اقتصادی ظرفیت‌ها و قابلیت‌های زیادی برای نفوذ اندیشه‌های عوام‌گرایانه کیفری را داشته باشد، ورود این رویکرد به چنین حوزه‌ای باعث شده که سیاست‌هایی که برای رسانه‌ها و عامه مردم جذاب هستند، شانس بیشتری برای طرح و اجرا داشته باشند. در واقع تحت تأثیر رویکرد عوام‌گرایی کیفری سیاست‌گذار کیفری به جای پرداختن به موضوعات مهم و بنیادین در امر مبارزه با جرایم اقتصادی بر اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های غیر کارآمد تأکید می‌ورزد (فرجیها و مقدسی، ۱۳۹۵: ۱۲۶۱).

سیاست کیفری ایران نیز از عوام‌گرایی کیفری به‌ویژه در جرایم اقتصادی به دور نبوده است و بعضاً مصلحت‌اندیشی‌ها در عرصه سیاست کیفری، به ظهور و شیوع جلوه‌هایی از عوام‌گرایی ختم گردیده است. در این زمینه تصویب بعضی قوانین خاص، تعیین مجازات‌های شدید، دیدگاه سخت‌گیرانه در مقام تفسیر عمل مجرمانه و اجرای شتابان مجازات‌ها، بعضاً با رویکرد عوام‌گرایانه صورت گرفته است که البته در همه این موارد، اقدامات صورت گرفته خواسته مردم جامعه از حکومت و البته واکنشی صحیح و مقتضی در برابر بزه و انحراف معرفی شده است (کرامتی معز و حسن آبادی، ۱۴۰۰: ۲۸).

ارتباط تنگاتنگ شیوع جرایم اقتصادی و کاهش مقبولیت عمومی اگرچه امری انکارناپذیر است، اما این امر به معنای کارآمد بودن تدابیر عامه‌پسند و زودبازده در کنترل مفاسد و جرایم اقتصادی نیست. با توجه به اینکه بزه‌دیده‌نهایی جرایم اقتصادی، شهروندان هستند، ارائه برآوردهای نظام عدالت کیفری به مردم، تمایل آنها به واکنش‌های سخت‌گیرانه مقطعی را کاهش خواهد داد. بهره‌گیری از نظریات کارشناسان در سیاست‌گذاری و اولویت‌بخشی به شیوه‌های پیش‌گیرانه و علمی در مبارزه با جرایم اقتصادی ضمن اینکه مستلزم هماهنگی و اهتمام سیاست‌گذاران تقنینی، قضایی و اجرایی است، مانعی مهم بر سر راه عوام‌گرایی کیفری می‌باشد (حسینی و اسمعیل‌زاده، ۱۳۹۳: ۲۰۱).

بدیهی است که چند بعدی بودن جرایم اقتصادی ظهور چنین سیاست‌عوامانه‌ای را بسیار ممکن و محتمل می‌نماید. این رویکرد با ارائه تصویری خطرناک از مجرمان اقتصادی و نشر اخبار و تبلیغ گسترده، مقابله کیفری با آنها را توجیه می‌کند و از این طریق به کارگیری هر وسیله‌ای در سیاست کیفری مباح می‌گردد، یکی از مؤلفه‌هایی که بایستی در کاهش عوام‌گرایی نسبت به جرایم اقتصادی مدنظر قرار گیرد آن است که پوشش‌های رسانه‌ای در دو بُعد نیز پررنگ گردند؛ اولاً اینکه ارائه اخبار رسانه‌ای از فرآیند کیفری موقتی و مقطعی نباشد. بدین معنا که برخی از موضوعات خاص در ادبیات رسانه‌ای نمود یابند و رسانه ابزار کارزار جبهه‌های مختلف سیاسی تبدیل نگردد. ثانیاً در جرایم اقتصادی تنها مرجع اطلاع‌رسانی سیاست کیفری نیز دولتی نباشد، بلکه منابع جامعی نیز امکان ورود و پوشش خبری داشته باشند و از حمایت نیز برخوردار شوند. به علاوه، به نظر می‌رسد که ضرورت دارد تا عملکرد اخبار و رسانه‌ها در جرایم اقتصادی با اتحاد رویه ساماندهی شود و این امر در طرح مبارزه با جرایم اقتصادی مدنظر قرار گیرد. این سامانه‌ها نباید بر طبل مقابله کیفری محض بکوبند، بلکه با نگاهی کارشناسی و تحلیلی، خود به عاملی برای افزایش سواد رسانه‌ای در خصوص سیاست کیفری تبدیل گردند؛ زیرا جرایم اقتصادی از پیچیدگی‌های بسیاری برخوردار است و در خود جامعه حقوقی ممکن است به دلیل ابهامات بسیار

از این جرایم نوعی کج‌فهمی عاید گردد. لذا سواد رسانه‌ای عمومی - تخصصی و جهت‌دهی علمی به آن می‌تواند با ایجاد مجرای واحد انتشار اخبار مدنظر قرار گیرد (باوی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۸).

رسانه‌ای شدن جرایم اقتصادی، سیاسی شدن واکنش‌ها در این جرایم^۱ و ساختار اقتصاد دولتی در ایران سبب شده تا شائبه عوام‌گرایی به حوزه سیاست کیفری جرایم اقتصادی نیز نفوذ پیدا کند. هرچند سیاست‌گذاران عوام‌گرا در توجیه سیاست‌های خود غالباً خواست مردم را مورد استناد قرار می‌دهند، اما حقیقت آن است که افکار عمومی آگاه مخالف سیاست‌هایی است که منافع اجتماعی محدودی دارند. پاسخ‌گویی به افکار عمومی ناآگاه هنگام وقوع رویدادهای فساد اقتصادی سبب می‌شود در بسیاری موارد تحت تأثیر تبلیغات رسانه‌ای، افکار عمومی به شیوه‌های کیفری به کار بسته شده توسط سیاست‌گذاران هدایت شده و آنها را مؤثر بدانند (حسینی و اسمعیل زاده، ۱۳۹۳: ۲۳۴).

با این اوصاف رسانه‌ها سهم بسزایی در بزرگ‌نمایی وقایع مجرمانه به‌ویژه پس از وقوع جرایم اقتصادی دارند. رسانه‌ها با استفاده از روش‌های ژورنالیستی به بازنمایی وقایع پرداخته، ترس مردم را تشدید می‌کنند. این بزرگ‌نمایی توأم با بهره‌گیری از واژگان غیرعلمی و عامه‌پسندانه مانند مفسدین اقتصادی، غارتگران و یا انتشار خبر دستگیری رانت‌خواران بزرگ و برشماری اموال آنها در رسانه‌ها و ... است. از این روست که حاکمیت رویکرد عوام‌گرایی کیفری باعث شده که بسیاری از واقعیت‌های جرایم اقتصادی، از جمله فقر، بیکاری، تورم نابرابری اقتصادی و ... نادیده گرفته شود و صرفاً راهکارهای احساسی ارائه و اجرا گردد. عدم برنامه‌ریزی برای اصلاح و درمان مجرمان و تأکید بر طرد آنها از پیامدهای عوام‌گرایی کیفری است. جلوه‌های بزرگ‌نمایی رسانه‌ای در ایران نیز مشاهده می‌شود، مباحث مربوط به مباحث ارزی و پولی، زمین‌خواری، رانت‌خواری قاچاق در انواع مختلف خود و ... که در رسانه‌ها در سال‌های اخیر بازتاب گسترده‌ای داشته شواهد این مدعا است (الهی‌منش و تقی‌زاده، ۱۳۹۷: ۱۲۶).

تداوم ارتکاب جرایم اقتصادی به رغم اتخاذ تدابیر سخت‌گیرانه مانند افشای نام محکومان تعیین مجازات‌های شدید، تأسیس دادگاه‌ها و مجتمع‌های قضایی اختصاصی و رسیدگی فوری به این‌گونه جرایم بیانگر این است که سیاست‌های اجرا شده کارآیی لازم را نداشته و باید طرحی نو اندیشید. اولویت‌بخشی به استفاده از راهکارهای پیشگیرانه تدبیر مناسب‌تری برای مقابله با این‌گونه جرایم است. هر چند نتایج راهکارهای پیشگیرانه در درازمدت متجلی می‌شوند ولی نتایج آن مؤثرتر پایدارتر و کم‌هزینه‌تر هستند. استفاده از راهکارهای پیشگیرانه در این حوزه به معنای نفی

۱. عنوان «جرایم اقتصادی» نشان ساده‌ای از یک دسته از رفتارهای قابل کیفر در حوزه اقتصاد نیست، بلکه این تعبیر نقطه تلاقی سه حوزه اقتصاد، حقوق کیفری و سیاست است. در نگاه نخست، پیش‌کشیدن حوزه سیاست در بررسی جرایم اقتصادی، به‌قدری تعجب‌برانگیز است، ولی با اشاره به سیاسی شدن واکنش‌ها در قبال جرایم اقتصادی، ارتباط حوزه سیاست با این جرایم بیش‌تر روشن می‌شود.



راهکارهای کیفری نیست، بلکه این سیاست‌ها در کنار برنامه‌های کیفری مطرح می‌شوند (فرجیها و مقدسی، ۱۳۹۵: ۱۲۶۲-۱۲۶۱).

از این رو تداوم ارتکاب جرائم اقتصادی نشان می‌دهد که سیاست‌های سزاگرایانه بازدارندگی عمومی نداشته‌اند. استفاده از راهکارهای پیشگیرانه، تدبیر مناسب‌تری برای مقابله با این جرایم است. با این حال، به دلیل دیر بازده بودن نتایج برنامه‌های پیشگیرانه و فقدان جنبه تبلیغاتی آنها مقامات عدالت کیفری تمایلی به اجرای آنها ندارند (الهی منش و تقی‌زاده، ۱۳۹۷: ۱۲۷). یکی از اصول حاکم بر پیشگیری از جرایم اقتصادی اصل مداخله از طریق پیشگیری و تشریح اخلاق حرفه‌ای به مقامات دولتی است. این اصل در بند سوم ماده ۸ کنوانسیون مریدا نیز گنجانده شده است. این اصل حاوی آموزش و آگاهی بخشی به مسئولان نسبت به عملکرد نظارت جرایم و تخلفات اقتصادی است.

۵. فقدان سیاست جنایی منسجم و واحد

سیاست‌گذاران جنایی کشورها و در پهنه بین‌المللی سازمان ملل متحد، مبادرت به اتخاذ یک سیاست جنایی همگرا برای مقابله با جرایم اقتصادی در قالب تدوین اسناد و مقررات بین‌المللی نموده‌اند که سیاست‌گذاران جنایی ایران، به تاسی از سیاست جنایی یکپارچه سازمان ملل متحد در چارچوب پاسخ‌دهی به بزهکاری اقتصادی، با توجه به کثرت گونه‌ها و تعداد جرایم ارتكابی به وقوع پیوسته، ولی این سیاست جنایی منسجم و واحد را در نظام تقنینی و قضایی خود در راستای مقابله جرایم اقتصادی شاهد نیستیم.

با این ماهیت به ویژه در سال‌های اخیر که با پرونده‌های کلانی همچون اختلاس سه هزار میلیاردی بزهکار نفتی و... مصداق پیدا کرده است به این اندیشه فرورفته‌اند تا با اتخاذ تدابیر مناسب و تدوین سیاست‌های جنایی مقتضی و ملی شیوه صحیح پاسخ‌دهی به این دسته از جرم‌انگاری حداکثری و تصویب قوانین شتاب‌زده در مقابله با مجرمین اقتصادی و به تصاویر کشیدن آن توسط رسانه‌ها، به‌طور حتم اولین اقدام خواهد بود. پس از آن سیاست‌های تسامح صفر و مبتنی بر عدم گذشت و تساهل و تسامح توسط قوه قضاییه و پلیس در مجازات مرتکبان از دیگر موارد است. باید اندیشید که با قطعیت و حتمیت در جرم‌انگاری و اعمال مجازات، مقابله ریشه‌ای با این پدیده صورت می‌گیرد یا نه. با بررسی متون قانونی مربوط به جرایم اقتصادی نظیر ارتشاء، اختلاس، اخذ پورسانت، اختلال در نظام اقتصادی، جرایم مالیاتی، قاچاق کالا و ارز به این نتیجه دست می‌یابیم که با توجه به آشفتگی و پراکندگی موجود در سیاست جنایی تقنینی ایران، اصولاً نمی‌توان یک سیاست جنایی منسجم، مدرن و دارای هدف و جهت را تبیین نمود و آن را با مدل‌های شناخته شده و معتبر علمی مقایسه نمود، اما این سیاست جدا از هدف‌های قانون‌گذار در

برخورد با مجرمین اقتصادی که شاید در جای خود معقول نیز بوده به سیاست‌های عوام‌گرایی نزدیکی و قرابت بیشتری دارد (الهی‌منش و تقی‌زاده، ۱۳۹۷: ۱۳۳).

با توجه به اینکه نهادها و سیاست حاکم بر هر کدام متفاوت است ممکن است عدم انسجام و یکپارچگی در عملکرد این نهادها، سیاست کیفری پیاده شده را کاملاً متفاوت از آن چیزی که مورد نظر سیاست‌گذار کیفری است نشان بدهد. این عدم انسجام به یک سیاست را می‌توان در فرآیند الحاق به اسناد بین‌المللی کاملاً مشهود یافت. از جمله وضعیت‌های نامشخص کنوانسیون پالمو و اصلاحیه‌های اول و دوم آن، یا بحث از FATF که خود اقدامی برای شفافیت و کاهش جرایم اقتصادی است) همگی نشان از رویکرد چندگانه قانون‌گذار در پیوستن به مقررات کلان ناظر به جرایم اقتصادی دارد. علاوه بر این افتراق رویکرد در قالب‌های کلان سیاست کیفری، می‌توان در برخی از جزئیات سیاست کیفری نیز تشتت در سیاست قابل مشاهده است (باوی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۱).

۶. امنیت مداری سیاست جنایی در قبال جرایم اقتصادی

سیاست جنایی امنیت‌گرا، با فرض دشمن دانستن بزهداران، به تشکیل نوعی حقوق کیفری دشمن مدار همت گمارده است و حتی از رهگذر جهانی شدن جرائم و نقض فاحش امنیت ملی و بین‌المللی، سیاست کیفری جهانی به دنبال تضمین امنیت حداکثری است. بدیهی است چنین رویکردی با محسوب نمودن کلیه مرتکبان به عنوان دشمن جامعه بسیار افراطی است. وقتی که تلقی برخی مجرمان خطرناک مانند تروریست‌ها به عنوان دشمن، چندان درست نیست و خلاف اصول حقوق بشر است، تلقی همه مرتکبان به طریق اولی، کاملاً نادرست است (کرامتی‌معز و حسن‌آبادی، ۱۴۰۰: ۲۲).

ابهام در جرم‌انگاری جرایم اقتصادی را نیز باید بر جنبه‌های ماهوی رویکرد امنیتی به جرایم اقتصادی افزود جدای از به کارگیری اصطلاحات مبهم قانون‌گذار برخی مواقع در یک اقدام تعجب‌آور مصادیق رفتاری جرایم را به صورت تمثیل ذکر کرده و حال آنکه اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها اقتضاء دارد تا هر رفتاری که قرار است، قابل کیفر باشد، دقیقاً در قانون مشخص گردد؛ اما در قانون مجازات اخلا لگران در نظام اقتصادی خلاف این اصل اعمال شده و عملاً دست دولت را در جرم‌پنداشتن هر رفتار مرتبط با فعالیت‌های اقتصادی باز گذاشته است در بندهای مختلف این ماده تعابیری مانند «امثال آنها» موجب گستردگی بیش از حد جرایم اقتصادی شده است (مهردوی‌پور، ۱۳۹۸: ۷۵۰).

۱. برای نمونه به بند ۱ تا ۳ ماده ۱ قانون مورد بحث اشاره می‌شود: الف) اخلال در نظام پولی یا ارزی کشور از طریق قاچاق عمده ارز یا ضرب سکه قلب یا جعل اسکناس یا وارد کردن یا توزیع نمودن عمده آنها اعم از داخلی و خارجی و امثال آن؛ ب) اخلال در امر توزیع مایحتاج عمومی از طریق گران‌فروشی کلان ارزاق یا سایر نیازمندی‌های عمومی و احتکار عمده ارزاق یا نیازمندی‌های مزبور و پیش‌خرید فراوان



نظام‌های سیاسی در حال حاضر ضمن دنبال نمودن راهبردهای خودکفایی اقتصاد ملی، ضرورت امنیت اقتصادی مبتنی بر راهبردهای وابستگی متقابل جهانی را نیز به شدت دنبال می‌کنند. توجه دوچندان به امنیت اقتصادی که خود ارتباط قابل ملاحظه‌ای با رویکردهای سیاسی دارد به سیاست کیفری ناظر به جرایم اقتصادی جهت خاصی می‌بخشد. بر این اساس، تأمین امنیت در کشور نباید صرفاً تحت تأثیر ملاحظات سیاسی باشد؛ زیرا این امر باعث شود که هدف سیاست کیفری در مبارزه با جرایم اقتصادی نیز سیاسی گردد. سیاسی شدن تأمین امنیت در برابر جرایم اقتصادی می‌تواند آثار مخربی را در پی داشته باشد که از جمله مهم‌ترین آنها مصلحتی شدن مقابله با برخی از جرایم اقتصادی و معاف دانستن برخی مرتکبان از این سیاست کیفری می‌باشند. لذا پیشنهاد می‌شود که در این قالب، سیاست تا اندازه‌ی کنترل‌شده‌ای وارد رویکرد تأمین امنیت اقتصادی در برابر جرایم اقتصادی بشود تا مقبولیت اقدامات سیاست‌گذاران کیفری با انگ‌ها ناروا همراه نگردد (باوی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۹).

در حقوق کیفری امنیت مدار، تشریفات دادرسی منصفانه مانند اصل تساوی سلاح‌ها و اصل علنی بودن محاکمه تا اندازه‌ای تضعیف می‌شود، به عنوان مثال؛ اماره مجرمیت در خصوص برخی از جرایم اقتصادی مانند پول‌شویی جای اصل براءت را می‌گیرد (مهدوی‌پور، ۱۳۹۸: ۷۵۳).

سیاست جنایی ایران در قبال دادرسی جرائم علیه نظام اقتصادی دارای مشخصات و ویژگی‌های مهمی است که می‌توان آنها را با عنوان جلوه‌های دادرسی افتراقی بررسی کرد، ایجاد محدودیت در انتخاب و کیل برای متهم برقراری نظام تک درجه‌ای در روند دادرسی محرومیت محکوم از نهادهای ارفاقی و ... نمونه‌هایی از این سیاست کیفری افتراقی در دادرسی کیفری جرایم اقتصادی است. شاید سخن لغوی نباشد، اگر گفته شود تصمیم‌گیران سیاست جنایی ایران هرگاه صحبت از افتراقی شدن دادرسی کیفری شده است، به جای آنکه ذهنشان به سمت و سوی تخصصی شدن روند کیفری برود متمایل به سمت امنیتی شدن جریان کیفری شده‌اند و به جای اتخاذ یک «دادرسی افتراقی تخصصی» به سمت یک «دادرسی اضطراری اختصاصی امنیت مدار گام برداشته‌اند (جوانمرد و شفیع خورشیدی، ۱۴۰۱: ۱۳).

به هر حال، برخی از قانون‌گذاران و از جمله قانون‌گذار ایران، در بیشتر موارد به جرایم عادی چهره امنیتی می‌بخشند. با معیارهای شکننده‌ای مانند قصد مقابله با نظام یا با پیش‌بینی تعبیری همچون «اگر محارب یا مفسد فی الارض شناخته شود» توجیه جرم‌انگاری را به امنیت دولت می‌چسبانند. نسبت به جرایم اقتصادی که تاکنون هرگز در قالب مجموعه‌ای مواد در قوانین کیفری اصلی تدوین نشده‌اند، رویکرد امنیت دولت بسیار ملموس‌تر است. قوانین متضمن جرایم اقتصادی

→ تولیدات کشاورزی و سایر تولیدات مورد نیاز عامه و امثال آنها به منظور ایجاد انحصار یا کمبود در عرضه آنها؛ ج) اختلال در نظام تولیدی کشور از طریق سوءاستفاده عمده از فروش غیرمجاز تجهیزات فنی و مواد اولیه در بازار آزاد یا تخلف از تعهدات مربوط در مورد آن و یا رشا و ارتشا عمده در امر تولید یا اخذ مجوزهای تولیدی در مواردی که موجب اختلال در سیاست‌های تولیدی کشور شود و امثال آنها.

عموماً پراکنده و منفردانه و به جهت ارتباط اقتصاد با حیات دولت، بیش از هر چیز با امنیت دولت توجیه می‌گردند تا با معیارهای دیگر (مهدوی‌پور، ۱۳۹۸: ۷۵۰).

جرایم اقتصادی هر چند هم به مقصد مقابله با نظام باشد، راه مقابله با آنها استفاده از مجازات‌های جرایم امنیتی نیست؛ زیرا از یک‌سو میان جرم و مجازات تناسب نیست و از سوی دیگر مجازات از جهت عقل توجیه نمی‌شود، ضمن اینکه قانون‌گذار در عمل برای دولت حمایت کیفری جداگانه از ملت و شهروندان تعیین می‌کند که این خود، سببی خطرناک است و دیکتاتوری نظام حکومتی را در پی دارد (نورزاد، ۱۳۸۸: ۲۳۰).

بحث و نتیجه‌گیری

جرایم اقتصادی دارای ماهیت پیچیده و فنی است و در محیط‌های شغلی و وابسته تجاری و اداری ارتکاب می‌یابد که کشف آنها بسیار دشوار است که مرتکبین این جرایم ضمن برخورداری از هوش و ذکاوت بالا و آشنایی به قوانین و مقررات ثروت و قدرت کشور در ارتباط هستند، از طرف دیگر این جرایم بزه‌دیده مشخص نداشته و در بدو امر افکار عمومی را تحریک نمی‌کنند. بدین صورت مقابله با آنها مستلزم وجود نهادهایی مستقل، قدرتمند و متشکل از افراد متخصص و نفوذناپذیر است.

جرایم اقتصادی به خاطر تأثیرگذار بودن بر تمام سطوح جامعه، یکی از مسائل چالش‌برانگیز در جهان می‌باشند که کشور ایران مستثنی نخواهد بود. فضای اقتصادی ایران هم به دلیل ابتلا به آسیب‌های عدیده، نسبت به نظام‌های اقتصادی سایر کشورها، زمینه مساعدتری برای ارتکاب جرم اقتصادی ایجاد می‌کند، گسترش جرایم اقتصادی مانع دستیابی دولت به اهداف ملی در حوزه امنیت اقتصادی شده و جرایم عمومی امور را به مخاطره می‌اندازد. جرم‌انگاری جرایم اقتصادی یکی از ابزارها و مکانیزم‌های سیاست جنایی هر کشور، در مقابله با بزهکاری و انحرافات اقتصادی است که اگر بر اساس سیاستی معقول و منطقی و مبانی مستحکمی صورت نگیرد، نه تنها نتیجه مطلوب به دست نخواهد داد، بلکه خود موجب پیدا شدن معضلات اقتصادی و اجتماعی بسیاری خواهد شد.

نتایج پژوهش از این قرار است که فقدان ارائه تعریف مشخص از جرایم اقتصادی، مراجع تقنینی متعدد در حوزه جرایم اقتصادی، تکثرگرایی در سیاست جنایی قضایی، رویکرد عوام‌گرایی کیفری در مقابله با جرایم اقتصادی فقدان سیاست جنایی منسجم و واحد و امنیت مداری سیاست جنایی در قبال جرایم اقتصادی، مهم‌ترین آسیب‌ها و چالش‌های سیاست جنایی ایران در قبال جرایم اقتصادی است.



منابع

- الهی منش، محمدرضا؛ تقی زاده، محرم. (۱۳۹۷). سیاست عوام گرایانه در مبارزه با جرایم اقتصادی با تاکید بر نقش پلیس. کارآگاه، ۱۲(۴۳)، ۱۴۳-۱۲۰.
- http://det.jrl.police.ir/article_18804.html
- باوی، علیرضا؛ گل دوست جویباری، رجب؛ غلامی، حسین. (۱۳۹۹). آسیب شناسی سیاست کیفری ایران در حوزه جرایم اقتصادی. تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، ۱۶(۴۳)، ۳۲-۱۱.
- https://jlap.srbiau.ac.ir/article_15773.html
- جوانمرد، بهروز؛ شفیع خورشیدی، علی اصغر. (۱۴۰۰). حقوق کیفری اقتصادی: جرم اقتصادی. جلد اول. چاپ اول. مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- جوانمرد، بهروز؛ شفیع خورشیدی، علی اصغر. (۱۴۰۱). حقوق کیفری اقتصادی: آیین دادرسی کیفری جرایم اقتصادی. جلد دوم. چاپ اول. مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- خواجه نوری، یاسمن؛ موسوی، سید پوریا. (۱۳۹۷). چالش های بنیادین فرا روی طرح مبارزه با جرایم اقتصادی. سیاست جنایی در برابر بزهکاری اقتصادی. به کوشش امیر حسن نیازپور. چاپ اول. بنیاد حقوقی میزان.
- حسینی، سید حسین؛ اسمعیل زاده، لیدا. (۱۳۹۳). جنبه های عوام گرای سیاست کیفری ایران در قبال فساد اقتصادی. رفاه اجتماعی.
- فرجیها، محمد؛ مقدسی، محمداقبر. (۱۳۹۵). پاسخ های کیفری عوام گرایانه به مفاسد اقتصادی، دایره المعارف علوم جنایی. کتاب دوم. زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی. چاپ دوم. بنیاد حقوقی میزان.
- صدری خانلو، علی؛ شاملو، باقر؛ نجفی توانا، علی. (۱۴۰۱). مبانی عوام گرایی کیفری و پیامدهای آن در سیاست جنایی، فصلنامه کارآگاه، ۱۶(۵۹)، ۱۲۱-۱۰۱.
- http://det.jrl.police.ir/article_98569.html
- کرامتی معز، هادی؛ حسن آبادی، عبدالرحمن. (۱۴۰۰). سیاست کیفری سخت گیرانه در آیین دادرسی کیفری ایران. چاپ دوم. انتشارات مهر کلام.
- لازرژ، کریستین. (۱۳۹۹). درآمدی بر سیاست جنایی، برگردان علی حسین نجفی ابرندآبادی. چاپ هشتم. بنیاد حقوقی میزان.
- موسوی، سید زهرا. (۱۳۹۶). نقد رویکرد قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به جرایم اقتصادی. [پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران].
- مهدوی پور، اعظم. (۱۳۹۸). مبانی افتراقی شدن سیاست کیفری در قلمرو جرایم اقتصادی، دایره المعارف علوم جنایی. کتاب چهارم. علوم جنایی تجربی، زیر نظر دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی. چاپ اول. بنیاد حقوقی میزان.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۸). سیاست جنایی در برابر بزهکاری اقتصادی. به کوشش امیر حسن نیازپور. چاپ اول. بنیاد حقوقی میزان.

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۶). *گفتمان سیاست جنایی قانون‌گذار در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲*، حج اندیشه؛ هم‌افزایی فقه و حقوق در تحقق عدالت و تعالی انسانی، به کوشش نعمت‌الله الفت، مجموعه مقالات یادنامه مرحوم ناصر قربان‌نیا، چاپ دوم، قم: انتشارات دانشگاه مفید.
- نورزاد، مجتبی. (۱۳۸۸). *مطالعه تطبیقی سیاست جنایی ایران و سازمان ملل در مقابله با جرایم اقتصادی*. [رساله دکتری، دانشگاه شهید بهشتی].
- ولیدی، محمدصادق. (۱۳۹۳). *حقوق کیفری اقتصادی*. جلد دوم. چاپ اول. انتشارات جنگل.

